

تجدید بنای کشاورزی و دهقانی و توسعه واحد های تجاری

این مقاله پیش از تغییرات ارضی و کشاورزی مربوط به جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است و اساساً برای درج در مجموعه‌های بوده که قرار بود به یاد استاد نادرافشارنادری توسط دوستان او منتشر شود. نظر به اطلاعات و آمار و تحلیل های معتبری که در مقاله وجود دارد، اینک برای نخستین بار در "آرش" به چاپ می‌رسد. باشد که نیز متضمن یادی گردد از دکتر افشارنادری که از پیشگامان تحقیقات روستایی و عشایری در ایران بسود. خاطرهای امالت و نجابت او را که همیشه در یاد دوستانش زنده است، در این دومین سالگرد درگذشت او گرامی می‌داریم.



۱- مقدمه

جهش کشاورزی از حالت نسبتاً ایستا به مرحله رشد و شکوفایی از جمله پدیده‌های پیچیده تاریخی است که در جوامع مختلف با بکار گرفتن استراتژی‌های متفاوت و اکثراً "با آهنکی بطنی تحقق پذیرفته است. در کشور ما رشد شتابان درآمد ملی در ۱۵ سال اخیر و رشد آهسته بخش کشاورزی، مسأله تجدید بنا و نوسازی کشاورزی را با ابعاد وسیعتری متجلی ساخته است. چه از یک سو افزایش سریع درآمد سرانه بر اثر افزایش مایهات نفت و کرایش بسوی مصرف انبوه را قبل از رسیدن به مرحله تولید انبوه گسترش داده و از سوی دیگر، رشد صنایع و بخش خدمات بویژه ساختمان و تغییر سریع رابطه مبادله به زبان بخش کشاورزی

موجب افزایش شکاف بین درآمد روستائی و شهری ، فرار نیروی کار از روستاها و تضعیف انگیزه و شوق کافسی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای کشاورزی شده است .

بر اساس آمار بانک مرکزی ، سهم کشاورزی از کل تولید داخلی (بدون در نظر گرفتن درآمد نفت) از ۳۶ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۳ نزول کرده است . تولید سرانه کشاورزی بین سالهای مذکور به بیش از دو برابر افزایش یافته در حالیکه درآمد سرانه کشور در همین زمان از ۶۱۲ ر ۱۱ ریال به ۱۱۰۷،۰۰۰ ریال رسیده یعنی افزایشی حدود ۱۰ برابر داشته است (۱) افزایش سریع درآمد سرانه همراه با رشد جمعیت بمیزان ۳ درصد در سال موجب اوج گرفتن تقاضا برای مواد غذایی در حدود ۸ درصد در سال گردیده است . در نتیجه برای تامین کمبود مواد غذایی مورد نیاز کشور حجم واردات فزونی یافته بنحویکه واردات مواد غذایی از حدود ۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ به حدود ۱۲۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است .

افزایش فاصله بین تولید و تقاضا ، شکاف در حال تزايد بین درآمد روستائی و شهری ، اوج گرفتن آهنگ مهاجرت روستائیان ، بطی بودن انتقال تکنولوژی در بخش کشاورزی و بالاخره عدم توانائی دستگاه اداری در برخورد با تنگناها و عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی زنگهای خطر را بعداً درآورده است . بطوریکه درباره‌ای از محافل ، کشاورزی ایران بعنوان یک ترازوی ملی عنوان می‌شود . گرچه گروهی ادعا دارند که کشاورزی با توجه به امکانات محدود منابع آب و خاک بعد شکوفائی خود رسیده است ، اما واقعیت امر این است که کشاورزی ما در ۱۵ سال اخیر سخت دچار دگرگونیهای بنیادی در زمینه نظام مالکیت ، الگوها بهره‌برداری مدیریت مزرعه ، نیروی کار و بالاخره مناسبات دستگاه اداری بنا نه و ده نشینان شده است . این تحولات سریع در برخی از زمینه‌ها چون منسوخ کردن نظام ارباب سرزمینی موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای به بار آورده و حال آنکه در زمینه بالا بردن کارائی اقتصادی ، تحدید بنای ساخت تولید ، اشاعه تکنولوژی مناسب برانگیختن ذوق و انگیزه برای افزایش سرمایه‌گذاری ، تجهیز و مشارکت کشاورزان در فرآیند توسعه ملی و گسترش و کاربرد تحقیقات علمی به هدفهای مورد نظر کمتر دست یافته است . به بیان کوتاه ، کشاورزی ایران در گذار از دوره برزخی راهی بس دشوار در پیش دارد .

۲- از تجارب تاریخی چه میتوان آموخت :

بنا به گفته یکی از مورخین بزرگ " تنها درسی که انسان از تاریخ می‌آموزد این است که از تاریخ عبرت نمی‌گیرد " با این وصف مطالعه تحولات تاریخ توسعه کشاورزی ، گویای چند واقعه مهم است . نخست آنکه انقلاب صنعتی با نظام زراعی سنتی سخت در تضاد بوده و در این برخورد تاریخی دگرگونی بنیادی نظام

۱- محمد سعید نوری نائینی ، کارائی کشاورزی دهقانی ایران ، موسسه برنامه‌ریزی ایران سال ۱۳۵۶ صفحات ۱-۳

مالکیت ارضی - که تنها به قلمرو مناسبات اقتصادی و شیوه بهره‌برداری از زمین منحصر نمی‌شود ، بلکه روابط اجتماعی و ساخت قدرت سیاسی و گردش نخبگان جامعه را نیز در بر دارد - اجتناب ناپذیر است . دو دیگر اینکه ، در انتقال کشاورزی سنتی ، تجهیز و مشارکت فعالانه قشرهای مختلف دهقانان نقش تعیین‌کننده داشته است . سه دیگر آنکه ، تجدید ساخت نظام تولید به بهره‌برداریهای خانوادگی یا به نظام اشتراکی یعنی به واحدهای کوچک فردی و یا واحدهائی بحقیاس معضم محدود نمی‌شود ، و بالاخره آنکه هر اندازه مداخله دستگاه بورکراسی در کار کشاورزی بیشتر و ساخت تصمیم‌گیری متمرکزتر باشد بازده تولید کمتر و رشد بخش کشاورزی بطی تر خواهد بود .

۳- تنوع و تضاد سیاستهای کشاورزی

برنامه اصلاحات ارضی موجب دگرگونی ساخت کشاورزی کشور گردید . در آغاز انتظار میرفت برنامه مذکور با تجهیز و مشارکت واقعی دهقانان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و پرورش استعداد و ترویج روش و فنون جدید موجبات گسترش نظام بهره‌برداری خانوادگی و توسعه کشاورزی را در چهارچوب ساخت ده ایرانی فراهم سازد اما پس از گذشت سالهای نخستین ، دستگاه اداری به واسطه عدم شناخت کافی از نظام روستائی و دهقانی و اعمال نفوذ گروههای فشار شهری و سرمایه‌داری به اتخاذ سیاستهای متفاوتی که غالباً بسیار شباهتی و تناقض توأم بود برداشت . در نتیجه ، نابسامانی و آشفتگی‌های متعددی در نظام زمین‌دار و سازمان تولید کشاورزی پدیدار گردیده که به شرح برخی از مهمترین آنها می‌پردازیم .

برنامه تقسیم اراضی با اینکه از نظر واگذاری زمین به دهقانان تا اندازه‌ای موفقیت آمیز بود اما مانند هر پدیده نوی مشکلات و ناهماهنگی‌های غیرمنتظره‌ای نیز به‌مراه داشت . از جمله این مشکلات یکی تلاش شدن سازمان کار تولید کشاورزی است که براساس همکاری و تعاون دهقانان در مناطق مختلف کشور به صورت زراعت جمعی بنام‌های بنسه - صحرا - طاق و خزان در ساخت ده تکوین یافته بود . مشکل دیگر، تبدیل اراضی مزرومی به قطعات کوچک و غیر اقتصادی میباشد . چه براساس نتایج سرشماری کشاورزی سال ۱۳۵۲ از کل ۲/۵ میلیون واحد بهره‌برداری کشور با مساحت ۵/۲ میلیون هکتار اراضی مزرومی ، تعداد ۱/۷ میلیون بهره‌برداری (۶۶ درصد) با مساحتی حدود ۲/۶ میلیون هکتار (۱۷ درصد) دارای کمتر از ۵ هکتار اراضی آبی و دیم بودمانند (جدول شماره ۱۰) .

جدول ۱- توزیع بهره‌برداران بر حسب اراضی آبی و دیم به تفکیک بهره‌برداری در سال ۱۳۵۲

طبقات بهره‌برداری	مساحت (هکتار)	درصد اراضی مزروعی	درصد آبی	درصد دیم	تعداد بهره‌بردار	درصد بهره‌بردار	متوسط اندازه (هکتار)
کمتر از ۱ هکتار	۲۹۹۶۰۰	۲/۰	۲/۲	۰/۵	۸۰۱۰۰۰	۳۱/۶	۰/۲
۱-۲	۲۸۶۲۰۰	۳/۲	۵/۶	۱/۸	۲۴۲۰۰۰	۱۳/۵	۱/۲
۲-۵	۱۸۱۲۵۰۰	۱۱/۸	۱۲/۲	۱۰/۲	۵۲۵۰۰۰	۲۱/۵	۲/۳
۵-۱۰	۳۱۷۸۹۰۰	۲۰/۷	۱۸/۲	۲۲/۲	۲۳۴۰۰۰	۱۷/۱	۷/۳
۱۰-۵۰	۲۳۱۸۰۰	۲۵/۹	۲۳/۲	۵۳/۲	۳۹۴۰۰۰	۱۵/۶	۱۷/۹
۵۰-۱۰۰	۷۰۳۰۰۰	۲/۶	۵/۲	۲/۲	۱۰۰۰۰۰	۰/۲	۷۰/۳
بیش از ۱۰۰	۱۸۱۱۰۰۰	۱۱/۸	۱۸/۹	۷/۶	۷۰۰۰	۰/۲	۲۵۸/۷
جمع	۱۵۳۲۷۵۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۵۲۳۰۰۰	۱۰۰/۰	۶/۹

ساخته: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی ۱۳۵۲، تهران، ۱۳۵۲.

بطوریکه ارقام جدول بالا نشان می‌دهد ۳۱/۶ درصد کل خانوارهای بهره‌بردار که هر کدام کمتر از یک هکتار زمین در اختیار دارند وسعت مجموع اراضی آنان ۲ درصد کل اراضی مزروعی کشور است. حال آنکه ۰/۳ درصد بهره‌برداران که هر کدام بیش از ۱۰۰ هکتار زمین در اختیار دارند ۱۱/۸ درصد از کل اراضی مزروعی کشور را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. به بیان دیگر پس از ۱۵ سال از اجرای برنامه تقسیم اراضی نظام بهره‌برداری کشاورزی کشور دچار دوگانگی و قطب‌گرایی شدیدی شده است. در یک قطب ۶۶ درصد دهقانان (گروههای کمتر از ۵ هکتار) که جمعا ۱۷ درصد کل اراضی مزروعی را در اختیار دارند قرار گرفته و حال آنکه در قطب مقابل کمتر از ۱ درصد بهره‌برداران (گروههای بیش از ۵۰ هکتار) با ۱۶/۲ از کل اراضی مزروعی متمرکز شده‌اند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که برنامه اصلاحات ارضی کسبه هدف اصلی آن از بین بردن بزرگ مالکی و ایجاد واحدهای خانوادگی دهفانی اعلام گردیده بود از یک سو موجب گسترش واحدهای کوچک غیراقتصادی گردیده و از سوی دیگر با مداخله و ممانعت مستقیم دولت به تمرکز مالکیت اراضی مزروعی در واحدهای بزرگ متمرکز

گردیده است.
۹۰

عدم شناخت واقعی از امکانات بالقوه کشاورزی دهقانی، چه از نظر کارآیی سنتی آن و چه از لحاظ تکنی‌ها و عوامل بازدارنده که اکثراً ناشی از رشد صنعتی و گسترش بخش خدمات بود. تصویر غیر واقع‌بینانه از نظام در ذهن غالب دست اندرکاران سیاست کشاورزی متجلی ساخت. بدین معنی که ساخت اجتماعی ده و کشاورزی دهقانی فاقد انعطاف پذیری لازم و ظرفیت کافی برای افزایش تولید و بهبود زندگی روستائیان قلمداد گردید. و این اعتقادات عامه یافت که تنها با دخالت مستقیم و مداخلت دولت میتوان به نوسازی کشاورزی دست یافت. رنوخ این طرز تفکر از یک سو به گسترش نظام بوروکراتیک کشاورزی بدست دستگاههای دولتی منجر شد و از سوی دیگر، باعث گرایش بیش از حد به اقتباس تکنولوژی غرب و ایجاد مزارع بحقیاس عظیم، بدون توجه به شرایط اقلیمی، تحقیقات کاربردی، ظرفیت مدیریت و ساخت اجتماعی، گردید. از این رو از سال ۱۳۲۷، تشکیل و گسترش شرکتهای سهامی زراعی، تعاونیهای تولید، کشت و صنعتها و مجتمعهای صنعتی شیر و گوشت، بیش از پیش نیروی فکری و اعتبارات بخش دولتی را بخود مطوف ساخت. نه تنها در بیشتر موارد الگوهای بهره‌برداري مذکور با یکدیگر و با ساخت کشاورزی موجود تضادها و برخورد هائسی را بوجود آورده بلکه موجب تشدید تشتت آراء در نظام بوروکراسی گردید. بنحویکه به مباحثی چون تقویت کشاورزی سنتی در مقابل کشاورزی صنعتی دامن زد.

در نتیجه اتخاذ سیاست گسترش واحدهای بزرگ تا پایان سال ۱۳۵۶، از حدود ۱۶ میلیون هکتار کل اراضی مزروعی کشور ۲۱۵ هزار هکتار (۲/۶ درصد) بوسیله ۹۳ شرکت سهامی زراعی ۱۰۰ هزار هکتار (۶/۶ درصد) توسط ۳۹ شرکت تعاونی تولید، ۱۵۵ هزار هکتار (۱ درصد) به کشت و صنعت های دولتی و حدود ۱۴۵ هزار هکتار (۹/۹ درصد) به واحدهای بزرگ زراعی و مجتمعهای صنعتی، گوشت و دامداریهای بزرگ اختصاص یافت. بدین ترتیب، در حال حاضر جمعا ۸۱۵ هزار هکتار معادل ۵ درصد از مساحت کل اراضی مزروعی کشور توسط بهره‌برداریهای خیلی بزرگ اداره میشود.

در واحدهای بزرگ از نظر اندازه زمین، نوع مالکیت و شیوه مدیریت تفاوتی قابل ملاحظه‌ای بچشم میخورد. برای مثال، کشت و صنعت مغان که یک واحد دولتی است ۴۸۲۰۰ هکتار زمین در اختیار دارد و حال آنکه وسعت اراضی کشت و صنعت های خوزستان که بوسیله بخش خصوصی با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد شده از ۶۲۰۰ هکتار (ایران شلکات) تا ۱۵۰۰۰ هکتار (شرکت ایران و آمریکا) متغیر میباشد. در مورد اندازه واحدهای بخش خصوصی اطلاعات دقیقی در دست نیست اما بنظر میرسد که اکثر این واحدها کمتر از ۱۰۰۰ هکتار زمین در اختیار دارند. برای بررسی دقیقتر نقش و سهم واحدهای مختلف بهره‌برداري در تولیدات کشاورزی، واحدهای مذکور به سه گروه شامل مزارع کوچک (کمتر از ۱۰ هکتار)

بگفته یکی از بدلمگویان این مساحت در نهایت امر به کشاورزی صحتی انجام میدهد

مزارع متوسط (۱۱-۱۰۰ هکتار) و مزارع بزرگ (بیش از ۱۰۰ هکتار) طبقه‌بندی و در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

ارقام جدول ۲ حاکی از آنست که بهره‌برداریهای بزرگ (بیش از ۱۰ هکتار) با اینکه ۱۲ درصد اراضی مزرعی کشور را در اختیار دارند سهم آنها در تولیدات بخش کشاورزی از ۶ درصد تجاوز نمیکند و حال آنکه سهم مزارع کمتر از ۱۰ هکتار که جمعا ۳۸ درصد از زمینهای مزرعی را مورد بهره‌برداری قرار میدهند ۴۱ درصد تولیدات بخش کشاورزی است. مزارع متوسط (۱۱ تا ۱۰۰ هکتار) با استفاده از ۵۰ درصد اراضی ۳۶ درصد تولیدات کشاورزی را بدست میدهند. ارقام مذکور گواه بر اهمیت فوق‌العاده واحدهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی ایران است.

با وجود اهمیت قابل ملاحظه واحدهای کوچک دهقانی و واحدهای متوسط تولید در اقتصاد کشاورزی کشور مع الوصف در ۱۰ سال اخیر قسمت عمده سرمایه‌گذاریهای دولت در بخش کشاورزی صرف ایجاد و توسعه واحدهای بزرگ گردیده است. چه از کل سرمایه‌گذاری انجام شده در پنج سال برنامه پنجم حدود ۳۰ درصد برای کشت و صنعت ها و مجتمع‌های شیر و گوشت خرج شده است. مقایسه وامهای اعطایی بانک تعاون کشاورزی که عموماً به واحدهای کوچک و متوسط اعتبار میدهد با وامهای بانک توسعه کشاورزی که برای واحدهای بزرگ بصرف میرسد مبین قلت سرمایه‌گذاری در بخش دهقانی در قیاس با واحدهای بزرگ است. چسبه متوسط وامهای بانک تعاون کشاورزی در سالهای ۵۶-۱۳۵۲ مبلغ ۱۰۱ هزار ریال برای هر وام گیرنده بوده و حال آنکه متوسط وامهای بانک توسعه کشاورزی در سالهای مذکور بالغ بر ۴۶/۹ میلیون ریال بوده است.

ناگفته نماند با وجود صرف سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه و اعطای کمکهای مختلف دولت به واحدهای بزرگ مهذا عملکرد آنها حاکی از آنستکه در اکثر موارد طرحهای مذکور بانکت مواجه شده‌اند. برای مثال بررسی وضع شرکتهای بهره‌برداری از اراضی زیر سد دز در خوزستان گواه صادقی بر این مدعی است. چسبه براساس گزارش بانک توسعه کشاورزی چهار کشت و صنعت عمده خوزستان نه تنها درآمدی نداشته‌اند بلکه عوائد حاصل از تولیدات آنها حتی تکاموی تا صین هزینه‌های جاری کشت و زرع را نمی‌نماید. در صورتیکه دولت زمینهای زراعی را با اجاره بهای بسیار نازلی، از قرار هکتاری ۱۵۰۰ ریال در اختیار شرکتهای قرارداد آب مورد نیاز را بوسیله سازمان آب و برق خوزستان به قیمت ارزان از فرار هر متر مکعبی ۰/۲ ریال ناممین نموده، حدود ۵۰ درصد از کل هزینه‌های انجام شده را از طریق وامهای بانک توسعه کشاورزی پرداخت نموده و بالاخره شرکتهای مذکور را از عاقبت کم‌رنگی برای وارد کردن ماشین‌آلات ساختمانی و کشاورزی برخوردار ساخته است. برای آنکه بتوان تصویر جامعی از نتیجه فعالیتهای کشت و صنعت های مذکور ارائه نمود جدول زیر مبنا^۵ او گزارش بانک توسعه کشاورزی نقل میگردد.

جدول شماره ۲ ساخت کشاورزی ایران - سال ۱۳۵۱ (ارقام به هزار)

سهم از آزاد تابل مرضه کارزار (درصد)	سهم از ناخالص کشاورزی (درصد)	مساحت بهره‌برداری		حجمیت		تعداد بهره‌برداری		اندازه واحد بهره‌برداری (هکتار)
		درصد	مساحت	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۹	۲۱	۲	۲۰۰	۲۲	۲۱۶۵	۲۲	۸۰۱	مزارع کوچک:
		۲	۲۹۰	۱۰	۱۷۷۸	۱۲	۲۲۲	کتر از ۱ هکتار
		۱۲	۱۸۱۰	۱۶	۲۸۲۲	۲۲	۵۲۵	۱-۲
		۲۱	۲۱۸۰	۱۲	۲۲۵۷	۱۷	۲۲۲	۳-۵ ۶-۱۰
۷۷	۲۶	۲۶	۷۰۲۰	۱۲	۲۰۲۸	۱۶	۲۹۲	مزارع متوسط:
		۲	۷۰۰		۵۲	-	۱۰	۱۱-۵۰
								۵۱-۱۰۰
		۶	۱۸۱۰	۱۲	۲۶	-	۷	مزارع بزرگ:
							بیشتر از ۱۰۰ هکتار	
	۸۲	۱۰۰	۱۵۲۳۰	۷۲	۱۳۱۷۰	۱۰۰	۲۵۲۲	مجموع
۲	۱۷	-	-	۲۲	۲۱۱۹	۷۹۰	۱۰۰	کشاورزان سی‌زمین
		۱۰۰	-	۲	۶۰۰			تولیدزراعی عشایری
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵۲۳۰	۱۰۰	۱۷۸۸۹		۳۲۲۲	جمع کل

ماخذ: براساس آمار کشاورزی سال ۱۳۵۱ مرکز آمار ایران و برآوردهای ARDAN (کارشناسان بانک جهانی در ایران) - ۲/۵ میلیون نفر از این گروه بصورت کارگر روزمزد و از محل دانداری امرار معاش میکنند.

بطوریکه ارقام جدول ۳ نشان میدهد کشت و صنعت های مذکور از ۲۰۰ ر ۶۳ هکتار زمین که به آنها اختصاص یافته فقط ۲۵۸۰۰ هکتار یعنی حدود ۲۱ درصد آنها تا سال ۱۳۵۶ به زیر کشت آورده‌اند. در سال مذکور درآمد ناخالص در هکتار برای شرکت ایران کالفرنیا ۲۸۵۸۲ ریال، ایران نلکات ۲۹۲۲۲ ریال و شرکت بین‌المللی ایران ۶۵۰۰۰ ریال بوده اما هزینه‌های جاری در هکتار برای شرکت‌های مذکور به ترتیب ۲۸۰۹۵ ریال ۵۰۹۰ ریال و ۹۶۰۰۰ ریال بالغ شده است. به بیان دیگر شرکت‌های مذکور نه تنها در مقایسه با سرمایه‌گذارهای هنگفتی که انجام داده (متوسط هزینه‌های زیربنایی در چهار شرکت مذکور ۸۲۰۰۰ ریال

۹۳

آرش

در هکتار است) سود نداشته بلکه قادر به تامین هزینه‌های جاری خویش نیز نبوده‌اند و در نتیجه ضرر انباشته به شرکت مذکور تا کنون جمعاً^۱ بالغ بر ۱/۸ میلیارد ریال گردیده است.

سیاست‌های ناهم‌آهنگ دولت در بخش کشاورزی علاوه بر زبانه‌های اقتصادی عواقب نامطلوب و تضادهای شدید اجتماعی نیز بار آورده است. از جمله این عواقب افزایش بیش از حد میزان مهاجرت روستائیان به ویژه نیروی فعال آنها به شهرها، آسیب پذیری نظام‌های زراعی و دامداری بزرگ جدید در جریان حوادث سیاسی و اجتماعی، ازدیاد فاصله در آمد شهر و روستا و افزایش نگران کننده واردات مواد غذایی را میتوان نام برد. طبق برآورد مرکز برنامه ریزی آمایش سرزمین میزان مهاجرت روستائیان در فاصله ۱۰ سال بین سرشماری سال ۱۳۲۵ و ۱۳۵۵ بطور متوسط ۲ درصد در سال بوده که در مقایسه با سالهای قبل و همچنین با آمار مهاجرت روستائی در سایر کشورهای در حال توسعه رقم بالائی است. در زمینه آسیب پذیری واحدهای بزرگ جدید مشاهدات مقدماتی چه در جریان و چه در چند ماه پس از انقلاب اخیر ایران حاکی از آنستکه بسیاری از واحدهای مذکور در حال تلاشی شدن میباشند به بیان دیگر کشاورزی مونتاز که با تزریق سرمایه زیاد برای تامین اکثر عوامل تولید (گاو شیری - خوراگ دام - ماشین آلات - سذر و کارشناس) از خارج از کشور چند صباحی پا گرفته بود ناکهان فرو ریخت و کشور را با مشکلات متعددی مواجه ساخت. از نظر سر فاصله درآمد روستائی و شهری گزارش سازمان برنامه و بودجه مبین آنستکه در سال ۱۳۳۶ نسبت هزینه مصرفی سرانه شهری و روستائی ۲/۱ بوده و حال آنکه این نسبت در سال ۱۳۵۶ به ۵/۲ افزایش یافته است (۱) به بیان دیگر در سال ۱۳۵۶ بطور متوسط هزینه‌های مصرفی یک نفر شهری بیش از ۵ برابر یک فرد روستائی بوده است. چنانچه قبلاً بیان گردید، ارزش واردات مواد کشاورزی نیز از ۲۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۱۲۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته یعنی در ۵ سال گذشته ۴/۶ برابر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- رجوع شود به گزارش خانم شهین ثابت قدم "پیش‌بینی هزینه مصرفی خصوصی سرانه به تفکیک شهر و روستا سازمان برنامه و بودجه - آبان ۱۳۵۶.

جدول شماره ۲ - وضع چهار شرکت سرمایه‌داری (سال ۱۳۵۶)

نام شرکت	اراضی تخصیص یافته (هکتار)	اراضی وگذاری (هکتار)	اراضی تسلیح شده (هکتار)	اراضی ربرکت (هکتار)	صدور (ریال)	موجودی در شرکت (ریال)	درآمد در شرکت (ریال)	سرمایه تخصیص یافته (میلیون ریال)	سرمایه تخصیص یافته (میلیون ریال)	سرمایه تخصیص یافته (میلیون ریال)
ایران کالبرینا	۱۰۶۰۰۰	۱۰۶۰۰۰	۲۶۰۰۰	۶۲۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۸۰۰۹۵	۳۱۵۸۷	۲۰۸	۲۳۰	۵۵۵
ایران و آمریکا (۲)	۲۰۲۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۶۵۰۰۹۰	۲۹۲۷۲	۲۵۸	۶۰۰	۶۲۱
ایران طلکات	۱۵۶۰۰۰	۶۲۰۰۰	۵۶۰۰۰	۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰	۹۶۰۰۰۰	۶۵۰۰۰	۵۲۷	۱۲۰۰	۵۵۲
سینالطی ایران	۱۶۶۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۴۶۰۰۰۰	۶۵۰۰۰	۵۲۷	۱۲۰۰	۵۵۲
جمع	۶۲۲۰۰۰ ^(۴)	۴۲۸۰۰۰	۲۱۸۰۰۰	۲۵۸۰۰۰ ^(۵)	۴۲۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۲۲۸۸	۲۲۸۸	۲۲۸۸

(۱) هزینه‌های جاری در هکتار حاصل هزینه‌های مستقیم و سرمایه می‌باشد.

(۲) بدی بانک توسعه کشاورزی ایران در مورد شرکت سینالطی ایران شامل ۲۲۸ میلیون ریال وام بانک ملی ایران شرکت می‌باشد.

(۳) چون در مورد شرکت ایران و آمریکا حساب‌های بهائی سال ۱۳۵۶ هنوز آماده نشده است بنابر این درج ارقام هزینه‌های جاری در هکتار و درآمد در هکتار و زمان انباشت در جدول امکان نداشته است.

(۴) رقم اراضی تخصیص یافته به شرکت ما طبق مواظقتنامه اولیه می‌باشد و اختلاف آن با ۶۸ هزار هکتار گسل اراضی مربوط به اراضی شرکت گلک (حدود ۲ هزار هکتار) است که مبداء و گذاری شده است.

(۵) رقم اراضی زیر کشت در سال ۱۳۵۶ شامل حدود ۲۰۲۰۰۰ هکتار کشت صیفی با مالد ترار داد با صیفی گلران در اراضی تسلیح شده بوده است.

در استراتژی " توسعه درونزا" اساس بهسرفت کشاورزی ایران با توجه به امکانات بالقوه تولید، سرمایه اقلیمی، و ویژه گیهای ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد تاکید است و لذا کاربرد تکنولوژی بهسرفت، نوآوریهای سازمانی و مدیریت جدید در هماهنگی و تطابق با ساخت موجود مطرح میگردد. بدینهی است این طرز نگرش درصدد رد پویایی ساخت اجتماعی، فرآیند نوآوری و پذیرش پدیده های نو نمیشاند بلکه بر اصالت ساخت و فرهنگ درونی جامعه و تطابق برونی از جمله تکنولوژی جدید با ساختهای مذکور تاکید دارد.

با ذکر این مختصر، چنانچه از جدول ۲ متفاد میشود در شرایط کنونی، امکانات بالقوه توسعه کشاورزی در نظام دهقانی و واحدهای تجاری نهفته است که جمعا " بیش از دو سوم تولیدات کشاورزی را بدست میدهد. مسأله اصلی این است که در فرآیند توسعه اقتصادی کشور چگونه میتوان در چارچوب ساخت اجتماعی با نوآوری و کاربرد تکنولوژی متناسب از این امکانات بالقوه به یک کشاورزی پویا و بهسرفت دست یافت.

اصول راهنمای این حرکت را باید در ارزشهای فرهنگ ملی و ساخت جامعه روستایی جستجو کرد. بطور کلی میتوان گفت که رونق کشاورزی از چهار عنصر فرهنگ ملی میتواند نشات گیرد: نخست، عشق به طبیعت چه ایرانی عاشق درخت و سبزه و گل و گیاه است^۱، دو دیگر، سخت کوشی کشاورز ایرانی ام از دهقان غمگین مالک بورزوا؛ سه دیگر، فطرت معنای واقعی آن اجتناب از تذبذب و اسراف و تجهیز براندازهای خصوصی^۲ و بالاخره تنوع فرهنگی بومی در ارتباط با اقلیمهای متفاوت کشور است.

بر اساس مفروضات فوق الذکر تجدید بنای کشاورزی دهقانی و توسعه واحدهای تجاری بعنوان استراتژی اصلی که حد سبانهای بین واحدهای کوچک انفرادی کارگر طلب و کشتزارهای وسیع سرمایه طلب است برای اطمینان نظر پژوهندگان و بلند پایگاه دستگاه اداری عرضه میشود.

الف- تجدید بنای کشاورزی دهقانی در چارچوب گروهبیای رراعت جمعی:

کشاورزی دهقانی در برخورد با صنعتی شدن و بهسرفت شهرنشینی با تنگناهای تازه ای چون کمبود نیروی کار، عدم توانایی در کاربرد ماشین بعلت کوچک بودن واحد بهره برداری و پراکندگی قطعات و قلت سرمایه روبرو شده است. از اینرو در اکثر موارد بجز در زمینه جالیز، سبزه کاری و باغداری کارایی اقتصادی آن کاهش

۱. اگر گروهی به قطع درختان باغات کهن و تخریب جنگلها و مراتع پرداخته اند باید ریشه های اصلی را در زمین بازی - سبزه کاری و بفروش - ویلا سازی و شهرک سازی جستجو کرد که با سود سرشار و فرمالیتهای فراوان قریب است.
۲. بنا بر شواهد معینی آنانکسه بر خوشترکم کارترند.

یافته است. اما تنگناهای مذکور نباید موجب شود که نظام دهقانی که ستون کشاورزی ایران است بدست فراموشی سپرده شود. چه دهقان ایرانی دارای سه خصوصیت بارز است: هم مدیر است، زیرا تصمیم میگیرد که چه بکارد و با عوامل تولیدش چه کند هم سرمایه‌گذار است، زیرا منابع مالی را برای کشت و کار فراهم میآورد و هم کارگر است زیرا خودش و خانوادهاش روی زمین کار میکنند.

چنانچه هدف سیاست افزایش رشد تولید توأم با توزیع عادلانه‌تر درآمدهای کشاورزی و مشارکت فعالانه تر دهقانان باشد بایستی رفع محدودیتهای و تنگناهای کشاورزی دهقانی مورد توجه خاص قرار گیرد. مطالعات سالهای اخیر نشان میدهد که در بیشتر دهات مناطق شرقی و فلات مرکزی و در برخی از نواحی جنوب کشور که با کمبود آب مواجهاند اکثر خانوارهای زارع از دیر زمان در گروهی ده کار که به بنسب حراشه صحرا و طاق مشهور است متشکل شده و بصورت جمعی امور کاشت و داشت و برداشت را انجام میدادند. ذکر چند نمونه از اینگونه واحدهای کشاورزی خالی از فایده نیست. برای مثال در شمس‌آباد مرودشت ۸۰ نفر از کشاورزان ده در سال ۱۳۴۸ بمنظور تامین آب زراعی مورد نیاز خود بصورت ۱۰ "حراشه" ۸ فردی - متشکل شده و به حفر ۹ حلقه چاه کم عمق و نصب موتور پمپ اقدام نمودند. اعضای هر حراشه کشت گندم و چغندر خود را بصورت دستجمعی و با مشارکت یکدیگر انجام میدادند. بهمین منوال، دهقانان حسین‌آباد زازران در اصفهان در ۶ گروه کار بنام "طاق" برای تهیه آب مورد نیاز متشکل و بکار زراعت گروهی می‌پرداخته در طالب‌آباد از دهات اطراف تهران همکاریهای اقتصادی و کار گروهی کشاورزان براساس سه استوار بوده است (!) پیچیده‌ترین سازمان کار گروهی را یکی از محققان در ابراهیم‌آباد نیشابور به حراشه صحرا شرح نموده که از لحاظ تشریک مساعی در آبیاری و کشت محصولات و تقسیم کار اجتماعی میان خانوارهای زارع قابل ملاحظه است.

چنین بنظر میرسد که در سالهای اخیر، وظایف و کارکردهای اینگونه واحدهای زراعی گروهی بنا به علل گوناگونی رو بگرایش نهاد و یکپارچگی در جهت از هم پاشیدگی آنها پدیدار شده است. با وجود این، چون در برنا اصلاحات ارضی مالکیت نسبی زراعی به زارعان بصورت منافع واگذار گردیده بطوریکه اراضی بصورت قطعات معین و مفروز به آنان داده نشده بلکه مالکیت آنان نسبت به نسق زراعی شان تثبیت گردیده است، از اینرو میتوان واحدهای زراعت گروهی را در قالب برنامه انجام شده اصلاحات ارضی بدون ایجاد تغییراتی در وضع مالکیت زمین دهقانان احیاء و تقویت نمود. اساس این فکر ناشی از سه اصل زیر است:

نخست آنکه راه حل نظام تولید زراعی بعد از اصلاحات ارضی بدون نوع واحدهای انفرادی محض و با واحدهای

۱- جواد صفی‌نژاد، بنسب، نظامهای تولید زراعت جمعی قبل از اصلاحات ارضی (تهران - انتشارات هوس)

اشتراکی محض به عبارت دیگر به واحدهای کوچک و یا بزرگ محدود نمیشود. دو دیگر آنکه واحدهای واحدهای جدید تولید باستی با مشخصات اقلیمی، ارزشها و طرز تفکر دهقانان و خصوصیات نظام زراعی جامه به بازرگاری و تناسب داشته باشد. سه دیگر آنکه بنظر میرسد دهقانان برای پذیرفتن تغییرات در سازمانها و نهادهای مانوس آمادگی و تمایل بیشتری داشته باشند تا آنکه واحد و نظام جدید که از آن یکی بیگانه‌اند و به آنان عرضه میشود.

در مناطقی که کشاورزان با زراعت گروهی آشنائی و سابقه ذهنی دارند بنظر میرسد که ضرورت استفاده منطقی از منابع آب، کمبود نیروی کار و الزامات فنی زمینه مساعدی برای بوجود آوردن واحدهای جمعی تولید فراهم آمده است. لذا با اعمال سیاستهای مائی و اعتباری مناسب، تقویت سازمانهای خدماتی و فنی و تهیه زیربنائی لازم میتوان دهقانان را به تشکیل اینگونه واحدها راهنمائی و تشویق نمود.

بدیهی است برای این منظور از یک سو، لازم است که تغییرات اساسی در نحوه کار شرکتهای تعاونی روستائی داده شود و حجم اعتبارات و تعداد کادر فنی آنها بمیزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد و از سوی دیگر، ترتیبی داده شود که خدمات ترویج کشاورزی، فعالیتهای بازاریابی و کمکهای فنی در قالب نظام تعاون روستائی مشکل و عرضه شود. شرکتهای تعاونی روستائی بجای آنکه اعتبار و خدمات را به امضای خود بصورت انفرادی عرضه نمایند میتوانند امضای خود را ملزم سازند که ابتدا در گروههای زراعی مشکل شوند و سپس با این گروهها بعنوان واحد تولید عمل خواهند نمود. به همین ترتیب، خدمات ترویج کشاورزی و سپاهیان ترویج و عمران نیز از طریق شرکت تعاونی به گروههای کار جمعی اختصاص خواهد یافت.

با توجه به نکات فوق‌الذکر بمنظور رفع تنگناها و افتدادی کردن بهره‌برداری دهقانی، و کاربرد تکنولوژی متناسب طرحی برای تشویق کشاورزان به تشکیل گروههای زراعت جمعی در سال ۱۳۵۵ با پیشنهاد نگارنده تهیه و بمورد اجراء گذارده شد. اصول راهنمای این طرح بشرح زیر است:

۱- بهره‌برداری منطقی از منابع آب و خاک با همکاری و مشارکت دهقانان.

۲- رساندن سطح بهره‌برداری بحد مطلوب جهت کاربرد تکنولوژی متناسب.

۳- حفظ مالکیت فردی و قبول زراعت جمعی و مدیریت واحد در گروه

طبق این اصول هر گاه چهار نفر کشاورزی که حداقل دارای ۲۰ هکتار اراضی همجوار و پیوسته باشند و اتفاق نظر برای قبول کار گروهی و زراعت یکپارچه را داشته باشند تشکیل یک گروه زراعت جمعی را میدهند که از حمایت مالی و فنی و ارشاد دولت برخوردار بوده بنحویکه برای انجام سرمایه‌گذاریهای زیربنائی از قبیل نامی...

■ در سال زراعی ۵۴-۵۳ متوسط وام پرداختی بهر عضو تعاونی روستائی ۷۹۳۶ ریال و متوسط وام برای هر هکتار زمین زیر کشت ۲۷۳۶ ریال بوده است.

آب زراعی (حفر چاه عمیق و نیمه عمیق ، لایروبی و مرمت قنوات) ، ایجاد کانالهای آبرسانی و شبکه‌های آبیاری درجه ۲ و ۳ ، زهکشی و تسطیح اراضی ، دولت تا ۵۰ درصد کمک بلاعوض از محل اعتبار تبصره ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۲ و اصلاحیه قانون بودجه سال ۱۳۵۳ و بقیه را بصورت برداشت وام از محل اعتبار طرحها نظارت شده بانک تعاون کشاورزی ایران با بهره ۶٪ تامین مینماید .

طی دو سال ۱۳۵۵ تا بهمن ۱۳۵۷ جمعا ۲۳۲ گروه زراعت جمعی با مشارکت ۲۱۸۵ نفر کشاورز صاحب نسق در نقاط مختلف کشور تشکیل گردیده است . برای تامین سرمایه‌گذاریهای مورد نیاز این گروهها دولت توسط بانک تعاون کشاورزی جمعا ۴۴۰ میلیون ریال بصورت وام نظارت شده و کمک بلاعوض از محل اعتبار تبصره ۶۰ در اختیار این گروهها قرار داده است . متوسط میزان سرمایه‌گذاری برای هر گروه ۹۰۰۰۰۰ ریال و برای هر زارعه عضو ۱۳۵۰۰۰ ریال بوده است .

باتوجه باینکه بیش از دو سال از تشکیل گروههای زراعت جمعی نمیگذرد از طرفی اکثر پروژههای گروههای مورد نظر را حفرچاه عمیق تشکیل میدهد بهره‌برداری از پروژههای انجام شده در این مدت کوتاه بطور کامل میسر نبوده و لذا برنامه‌های کشت بکارچه به تبعیت از این پروژهها نتوانسته است بطور کامل اجرا گردد . بدین لحاظ تفاوت در باره عملکرد کار این گروهها و سنجش میزان تغییرات چه از نقطه نظر کمی و چه به لحاظ کیفی امکان پذیر نیست . مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی و عمران روستائی جهت شناخت مسائل ، تنگناها و پیشرفتهای گروههای مذکور در سه منطقه آذربایجان ، خوزستان و استان مرکزی مطالعاتی انجام داده که باره از نتایج آن باختصار بیان میشود :

- تبدیل زراعتهای دیم به زراعت‌های آبی و بزیرو کشت در آوردن اراضی جدید که در نتیجه سطح تولید و درآمد دهقانان مضو افزایش یافته است .

- کاهش تعداد قطعات زمین از طریق جابجائی مالکیت‌ها و بسکارچه کردن اراضی که در نتیجه عدم دربرداشت است .

اولاً - اندازه بهره‌برداریهائیکه به لحاظ پراکندگی زیاد قطعات کمتر از واحد مالکیت زمین بوده افزایش یافته است . از اینرو میتوان امیدوار بود که مساحت بهره‌برداری با اندازه مالکیت زمین در واحدهای دهقانی بعد مطلوب اقتصادی برسد .

ثانیا - تبدیل کشت‌های پراکنده هر محصول به کشت همجوار و بکارچه که کاربرد تکنولوژی مناسب را تسهیل نموده است .

■ نگارنده لازم میدانند از فعالیتهای علمی و کوشش مستمر آقایان محمود علیزاده ، داراب شریف‌پور ، مرتضی محتشدزاده و رضا ماسر که در تهیه طرح و ارزیابی گروههای زراعت جمعی همکاری صمیمانه بذول داشته‌اند تشکر نماید .

با تشکیل گروههای زراعت جمعی تعداد زیادی پروژههای کشاورزی بالاخص پروژههای تامین آب، تسطیح و شبکه آبیاری که جنبه زیربنایی دارد انجام شده که در نوسازی کشاورزی دهقانی نقش موثری داشته است. در این زمینه میتوان از تجربه سایر کشورها در نوسازی کشاورزی سنتی خود استفاده نمود. چه کنورهائیکه کشاورزی آنها از دیرباز متکی به ده و واحدهای دهقانی بوده در جریان توسعه اقتصادی بمنظور کارسبرد تکنولوژی جدید و امرایش کارآئی اینگونه واحدها به تشویق کشاورزان برای شکل در نوعی از فعالیت گروهی مبادرت نمودهاند.

در جهان غرب فرانسه اولین کشوریست که بمنظور تشکیل گروههای زراعت جمعی در سال ۱۹۶۲ قانونی تحت عنوان " بهره‌برداری مشترک در گروههای زراعت جمعی "

Agricultural Groups for Farming in common

به تصویب و اجراء گذاشت.

هدف اصلی از تشکیل این گروهها ایجاد ساخت کشاورزی مناسبی است تا براساس یکپارچگی و نوسازی مزارع به اقتصادی کردن بهره‌برداریهای دهقانی و ورود بهره‌بردارها به بازار کمک نماید بدون اینکه به ارزشهای اجتماعی و اقتصادی خانوارهای کشاورز و مالکیت خصوصی لطمه‌ای وارد سازد. از سال ۱۹۶۵ تا پایان ۱۹۷۲ جمعا ۲۷۵۳ گروه زراعت جمعی در فرانسه تشکیل شده است (۱).

ایتالیا دیگر از کشورهای اروپایی است که بمنظور نوسازی بهره‌برداریهای دهقانی و کاربرد تکنولوژی مبادرت به تشکیل نوعی زراعت جمعی بنام Joint Management در چارچوب شرکتهای تعاونی اقدام نموده است. اصولی که در این برنامه منظور شده عبارتند از:

— مشارکت داوطلبانه زارعین

— احساس مسئولیت و آزادی بنیان در تصمیم‌گیری

— وجود زمین برای بهره‌برداری منطقی.

— توزیع درآمد گروه بر مبنای میزان زمین و مقدار کار هر عضو در گروه

هدف اساسی از تشکیل مدیریت مشترک واحدهای دهقانی در ایتالیا ارتقا سطح زندگی کشاورزان براساس کار گروهی و تقسیم منافع براساس ۸۰ درصد سهم کار و ۲۰ درصد سهم زمین میباشد. در سال ۱۹۷۶ در جنوب ایتالیا ۱۰۶ مزرعه تعاونی با ۲۲۵۹ عضو که در حدود ۱۱۰۰۰۰ هکتار زمین مزروعی در اختیار داشتند تشکیل ۷۶ گروه مدیریت مشترک را داده‌اند. در نتیجه ۱۲۶۲ بهره‌برداری دهقانی بدل به ۷۶ بهره‌برداری نسبت

1- Philip M. Raup French Experience with Group Farming the GAEC, Department of Agricultural and Applied Economics University of Minnesota.

وسیع گردیده بهنجویکه متوسط مساحت بهره‌برداریهای زارمین که قبلا ۷/۵۵ هکتار بوده به ۱۲۰/۰۵ هکتار افزایش یافته است و تعداد قطعات مزروعی از ۱۰۲۲۴ قطعه به ۱۵۸۸ قطعه کاهش یافته است. بمارت دیگر متوسط اندازه هر قطعه از بهره‌برداری دهقانی از حدود ۱ هکتار به ۵/۷۲ هکتار افزایش یافته و ظرفیت تولید در این گروهها تا ۵۰ درصد افزایش داشته است (۱)

ب - توسعه واحدهای بهره‌برداری تجاری

کشاورزی تجاری پدیده جدیدی است که در ۲۰ سال اخیر در نظام کشاورزی کشور ما رشد کرده است در حوامع صنعتی مغرب زمین، گسترش بهره‌برداریهای تجاری بر مبنای استفاده از تکنولوژی جدید به منظور بازده زمین و شربخشی نیروی کار استوار بوده است. از این گذشته، کشاورزی بر اساس رقابت بین تولیدکنندگان خرده‌ها برای تخصیص عوامل تولید بصورت مطلوب پایه‌گذاری شد. در واقع خصوصیات زندگی شهرنشینی صنعت و تجارت کشاورزی را سخت تحت تاثیر خود قرار داد. در نتیجه مزارع بزرگ تجاری از دهه اول قرن حاضر با آهنکی سریع رو به گسترش نهاد (۲)

در ایران از مفهوم کشاورزی تجاری برداشتهای متفاوتی که غالباً مبتنی بر طبقه‌بندی و ضوابط کمی است وجود دارد. برای مثال برخی از صاحبان و واحدهای بزرگتر از ۱۰ هکتار را بعنوان مزارع تجاری توصیف نموده‌اند و حال آنکه غالباً "مشاهده می‌شود تعداد مزارع بزرگتر از صد هکتار که به شیوه سنتی کشت میکنند قابل ملاحظه است و بر عکس تعداد مزارع کمتر از ۱۰ هکتار که به شکل واحدهای تجاری، بخصوص در زمینه سبزیکاری عمل میکنند رو به افزایش است. از مشخصات بارز واحدهای تجاری تولید برای بازار، حساسیت شدید به قیمتها و درجه سودآوری فعالیتهای کشاورزی است. گرایش به تخصصی کردن محصول و روی آوردن به شبکه‌های تخصصی تبدیل و توزیع فرآورده‌های کشاورزی از دیگر خصوصیات این نوع بهره‌برداری است.

بر اساس مطالعه پرفسور آرسویک، حدود ۲۰ درصد کشاورزان که ۷۰ درصد اراضی مزروعی را در اختیار دارند بصورت واحدهای تجاری فعالیت میکنند. اینگونه واحدها تقریباً ۵۰ درصد ارزش ناخالص بخش کشاورزی و ۸۰ درصد مازاد محصول قابل عرضه به بازار را تولید مینمایند (۳)

۱- Giulino Cesarine, The Cooperative Approach of Amalgamation and Consolidation of Small Farming in Southern Italy. Land Tenure Center, University of Wisconsin.

۲- در این مقاله واحدهای بهره‌برداری تجاری عادل Commercial Farms بکار گرفته است
۳- مدظنی مهاجرانی "نظام بهره‌برداری و نقش مزارع بزرگ کشاورزی مجله کین"

۴- Oddvar Aresvik, The Agricultural Development of Iran, Praeger Publishers, New York, 1976, P. 115

بررسیهای دیگری دال بر وجود حدود ۷۰۰ هزار واحد بهره‌برداری تجاری در ایران میباشد. در گزارش
کاندا که براساس منابع بانک جهانی تنظیم شده تعداد کشاورزان واحدهای تجاری بشرح زیر آمده است:
- حدود ۵۰ هزار باغدار که در سطحی برابر با ۲۰۰ هزار هکتار فعالیت دارند.
- حدود ۵۰ هزار کشاورز که هر یک در سطحی بیش از ۱۵ هکتار فعالیت دارند.
- حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار مالک قدیمی یا فعالیت در سطحی حدود ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هکتار که تقریباً نیمی از این
اراضی را سالانه زیر کنت می‌برند (۱)

براساسه کمود تحقیقات علمی نمیتوان درباره کارآئی اقتصادی و درجه موفقیت واحدهای تجاری بطور فاطع
اظهار نظر نمود. مهبذا مطالعات موردی که تعدادی از مناطق که در انجام شده. باکی از بالا بودن سبسی
عملکرد محصولات در هکتار، کاربرد تکنولوژی پیشرفته، کارآئی مدیریت و سودآوری سرمایه‌گذاری در اکثر
واحدهای تجاری است (۲)

بدهی است رونق کشاورزی کشور مستلزم اتخاذ سیاست های جامعی از طرف دولت بویژه در زمینه
بهبود رابطه مبادله بین بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصاد ملی، گسترش تحقیقات کاربردی ایجاد امنیت
اقتصادی بویژه در زمینه مالکیت کشاورزان، عدم مداخله دولت در مدیریت واحدهای بهره‌برداری، منطقی
کردن برنامه ریزی و خط مشی‌های اجرایی کشاورزی و آموزش و تجهیز و حمایت دهقانان میباشد. چه در نهایت
امر، کشاورزی بدون کشاورز شکرنا نخواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- احمد حب‌خسوی، "بررسی اقتصادی و اجتماعی کشاورزی تجاری، در ایران" - مجله تحقیقات اقتصادی

شماره‌های ۲۷ و ۲۸ سال ۱۳۵۶.

۲- برای اطلاع بیشتر به گزارش مهدی نوروزی "بررسی بهره‌برداریهای تجاری خصوصی در خوزستان و مقاله
احمد حب‌خسوی که قبلاً بدان اشاره گردید رجوع نمائید.